



تعدیل نابرابری‌های اجتماعی

در دولت امام علی علیه السلام

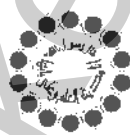
جمعه‌خان محمدی

با راهنمایی:

محمود تقی‌زاده داوری



سرشناسه: محمدی، جمعه خان.
عنوان و بدیدآور: تعدیل نابرابری‌های اجتماعی در دولت امام علی (علیه السلام) / جمعه‌خان
محمدی؛ با راهنمایی محمود تقی‌زاده داورى.
مشخصات نشر: قم، انتشارات شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص؛ جدول.
شابک: ۹۶۴-۹۶۹۲۸-۲-۷.
یادداشت: فیبا.
یادداشت: چاپ قبلی: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌المللی، ۱۳۸۳.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۹۷-۲۰۸.
موضوع: علی بن ابی‌طالب (علیه السلام)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت، ۴۰ ق. سیاست و حکومت.
موضوع: اسلام و دولت.
موضوع: اسلام و سیاست.
شناسه افزوده: تقی‌زاده داورى، محمود، ۱۳۳۲.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۵ ت۲۸ م۳۷/۳۵ BP
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱
شماره کتابخانه ملی: ۸۵-۳۴۱۷۹ م



موسسه شیعیانی

تعدیل نابرابری‌های اجتماعی در دولت امام علی (علیه السلام)

مؤلف: جمعه‌خان محمدی
ناشر: شیعه‌شناسی
نوبت چاپ با تجدید نظر و اضافات: سوم ۱۳۸۵
چاپ و صحافی: اسوه
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
قیمت گالینگور: ۲۸۰۰۰ ریال
قیمت شومیز: ۱۸۰۰۰ ریال

ISBN 964-96928-2-7

شابک: ۹۶۴-۹۶۹۲۸-۲-۷

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۹	 مقدمه
۱۳	 پیشگفتار
۱۵	 الف. زعامت سیاسی
۱۷	 ب. زعامت دینی

فصل اول

سیاست‌های ابوبکر در توزیع اجتماعی ثروت و قدرت / ۲۱

۲۳	 مقدمه
۲۴	 ۱-۱. سیاست‌های توزیع ثروت
۲۴	 منابع درآمدهای مالی
۳۰	 ملاک‌های توزیع ثروت
۳۲	 ارزیابی سیاست‌های ابوبکر در توزیع ثروت
۳۲	 ۱-۲. سیاست‌های توزیع قدرت
۳۳	 اسامی کارگزاران
۳۴	 ملاک‌های توزیع قدرت
۳۵	 ارزیابی سیاست‌های ابوبکر در توزیع قدرت

فصل دوم

سیاست‌های عمر در توزیع اجتماعی ثروت و قدرت / ۳۷

۳۹	 مقدمه
۴۰	 ۲-۱. سیاست‌های توزیع ثروت
۴۰	 منابع درآمدهای مالی

۶۲	ملاک‌های توزیع ثروت
۶۵	ارزیابی سیاست‌های عمر در توزیع ثروت
۶۷	۲-۲ سیاست‌های توزیع قدرت
۶۷	اسامی کارگزاران
۶۹	ملاک‌های توزیع قدرت
۷۰	ارزیابی سیاست‌های عمر در توزیع قدرت

فصل سوم

سیاست‌های عثمان در توزیع اجتماعی ثروت و قدرت / ۷۳

۷۵	مقدمه
۷۵	۱-۳ سیاست‌های توزیع ثروت
۷۶	منابع درآمدهای مالی
۸۵	ملاک‌های توزیع ثروت
۸۸	ارزیابی سیاست‌های عثمان در توزیع ثروت
۹۰	۲-۳ سیاست‌های توزیع قدرت
۹۱	اسامی کارگزاران
۹۲	ملاک‌های توزیع قدرت
۹۶	ارزیابی سیاست‌های عثمان در توزیع قدرت

فصل چهارم

شکل‌گیری نابرابری‌های اجتماعی در دوران خلفا / ۹۹

۱۰۱	۱-۴ نقش ابوبکر در شکل‌گیری نابرابری‌های اجتماعی
۱۰۲	قشربندی اجتماعی در زمان ابوبکر
۱۰۴	۲-۴ نقش عمر در شکل‌گیری نابرابری‌های اجتماعی
۱۰۸	قشربندی اجتماعی در زمان عمر
۱۱۷	گسترش نابرابری‌ها
۱۱۹	۳-۴ نقش عثمان در شکل‌گیری نابرابری‌های اجتماعی
۱۲۰	قشربندی اجتماعی در زمان عثمان
۱۳۳	گسترش نابرابری‌ها
۱۳۴	ارزیابی

فصل پنجم

سیاست‌های امام علی علیه السلام در توزیع اجتماعی ثروت و قدرت / ۱۳۵

۱۳۷	 مقدمه
۱۳۸	۱- سیاست‌های توزیع ثروت.....
۱۳۸	 منابع درآمدهای مالی
۱۴۵	 ملاک‌های توزیع ثروت
۱۴۸	 ارزیابی سیاست‌های امام علی علیه السلام در توزیع ثروت
۱۵۱	۲- سیاست‌های توزیع قدرت.....
۱۵۳	 اسامی کارگزاران
۱۵۴	 ملاک‌های توزیع قدرت
۱۵۵	 ارزیابی سیاست‌های امام علی علیه السلام در توزیع قدرت
۱۵۷	 جمع‌بندی

فصل ششم

تعدیل نابرابری‌های اجتماعی در دولت امام علی علیه السلام / ۱۵۹

۱۶۱	 مقدمه
۱۶۱	۱- نقش امام علی علیه السلام در تعدیل نابرابری‌های اجتماعی.....
۱۶۶	۲- قشربندی اجتماعی در زمان امام علی علیه السلام
۱۷۳	۳- تعدیل نابرابری‌ها.....
۱۷۷	 جمع‌بندی

فصل هفتم

نتیجه‌گیری / ۱۷۹

۱۸۲	۷-۱- منابع فشار بر نظام اجتماعی.....
۱۸۲	۱- منابع تغییر ارزش خارج از نظام اجتماعی.....
۱۸۳	۲- منابع تغییر ارزش داخل نظام اجتماعی.....
۱۸۳	۳- منابع تغییر شرایط محیطی خارج از نظام اجتماعی.....
۱۸۴	۴- منابع تغییر شرایط محیطی داخل نظام اجتماعی.....
۱۸۴	۷-۲- ارزش‌های اجتماعی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۱۸۴	۷-۳- ارزش‌های اجتماعی زمان خلفا.....
۱۸۵	۱- دنیاگرایی.....

۱۸۵	۲. قدرت طلبی
۱۸۶	۷-۴. عوامل تغییر در ارزش‌های اجتماعی
۱۸۷	۷-۵. عوامل تغییر در نظام اجتماعی
۱۹۱	۷-۶. عوامل تغییر در نظام سیاسی
۱۹۴	۷-۷. ارزش‌های اجتماعی زمان امام علی علیه السلام
۱۹۸	جمع‌بندی
۱۹۹	منابع

نمایه‌ها / ۲۰۷

۲۰۹	نمایه اعلام
۲۱۲	نمایه اماکن
۲۱۵	نمایه اصطلاحات

مقدمه

در طول تاریخ، همواره گروهی از مردم در زندگی اجتماعی از مزایای بیشتری نسبت به دیگران برخوردار بوده‌اند؛ برخی از ثروت، مکتب و دارایی هنگفت، گروهی از قدرت و سلطه بیشتر و جمعی نیز از منزلت و شرافت بالا. این نابرابری‌ها، فاصله گروه‌های انسانی را از یکدیگر افزایش داده، موجب ایجاد شکاف اجتماعی و فاصله طبقاتی شده است. افراد بهره‌مند از ثروت، قدرت و منزلت، همواره در صدد حفظ این امتیازها به هر شکل ممکن می‌باشند و افراد محروم از این مواهب و منابع، که نوعاً در حالت یأس، خشم و انتقادگری به سر می‌برند، تمایل دارند وضعیت خود را ارتقا بخشند. بنابراین، نابرابری‌های اجتماعی و فاصله‌های طبقاتی، همواره عاملی تنش‌زا و کشمکش‌آفرین در جوامع بشری بوده، گاه و بی‌گاه جنبش‌های اجتماعی، اعتراضات، شورش‌ها و انقلاب‌ها را پدید آورده است. اگرچه ممکن است جوامع انسانی برای مدت کوتاهی از این عوامل اختلال‌آفرین و تنش‌زا دور بوده و با همان وضع نابرابر به حیات اجتماعی خویش ادامه دهند، اما تجربه تاریخی نشان داده است که هرگاه این نابرابری‌ها تشدید و فاصله‌ها زیاد شوند، تنش و کشمکش بر حیات اجتماعی سایه می‌افکند، و با ایجاد بحران، حتی در مواقعی سیر طبیعی آن را متوقف می‌سازد. به این دلیل، همواره از زمام‌داران، سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان اقتصادی،

اجتماعی انتظار می‌رود که سیاست‌ها و برنامه‌هایی را در پیش گیرند که منابع ارزشمند جامعه، به طور عادلانه و متوازن بین اقشار و گروه‌های اجتماعی توزیع شود و نابرابری‌ها و محرومیت‌های افراد جامعه تقلیل یابد، تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها کم شود.

متأسفانه سیر تاریخی جامعه و دولت نوپای صدر اسلام نیز از این قاعده مستثنا نبود؛ جامعه متعادل، متوازن و بدون تبعیض پیامبر ﷺ، خیلی زود طی چند دهه، دچار مشکلات و مصائب محسوس اجتماعی گردید. گروهی، به دلیل پیشینه مذهبی، تعلقات و وابستگی‌های طایفه‌ای و قومی، برتری‌ها و امتیازهای جهادی و نظامی تقدم یافتند، و دریافت‌ها و مزایای مادی‌شان را افزایش دادند؛ به گونه‌ای که مال و ثروت، قدرت و نفوذ، و حشمت و شوکت جامعه اسلامی منحصرأ در اختیار آنان بود. از این‌رو، فاصله زندگی آنان از سایر مسلمانان بسیار شد، و زمینه عداوت، حسادت و خشم دیگر اقشار جامعه را به وجود آورد؛ مسئله‌ای که سرانجام به شورش و نزاع عمومی، کشته شدن خلیفه سوم و تشکیل حکومت امام علی علیه السلام منجر گردید. اما مشکلات به همین جا ختم نشد و تبعات آن، دولت امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز به چالش کشید و گاه و بی‌گاه مشکلاتی را برای آن پدید آورد.

گروه ممتاز و اشرافی دوران خلفای سابق، سیاست‌های تعدیلی امام علی بن ابی طالب علیه السلام را قبول نداشت و تدبیر او در توزیع اموال و پست‌ها را برنمی‌تابید، به همین دلیل، با سرپیچی، اعتراض، تبلیغات منفی و ملتهب ساختن فضا، تلاش می‌کرد تا حکومت ایشان را ناکارآمد جلوه دهد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه، ضمن شرح این قضیه، به درخواست این گروه فاسد در حفظ امتیازات و افزون‌خواهی‌های گذشته، اشاره کرده و می‌فرماید:

«آیا از من می‌خواهید تا نصرت و یاری [شمارا] از طریق ستم و جور بر مردمی که والی آنهایم بجویم؟ قسم به خدا، تا مادامی که جهان می‌گردد و ستاره‌ای در آسمان در پی ستاره‌ای دیگر برمی‌آید، هرگز چنین نکنم. اگر آن مال

از آن من بود، هر آینه آن را بین همه به تساوی تقسیم می‌کردم؛ چه رسد به این‌که، آن مال، مال خداوند است. آگاه باشید! بخشیدن مال به کسانی که مستحق آن نیستند، تبذیر و اسراف آن مال است. این کار منزلت بخشنده را در دنیا بالا می‌برد، ولی او را در آخرت فرود می‌آورد؛ او را در دیدگان مردم ارجمند می‌سازد، ولی نزد خداوند خوار می‌گرداند. هیچ‌کس مال خود در جای ناحق نهداد و به نامستحق نبخشود، مگر آن‌که خداوند او را از شکر و سپاس آن افراد، محروم ساخت و دوستی و مودّت آنان را از آن دیگری قرار داد. پس هرگاه روزگاری دیگر شود و او به یاری آنان نیازمند گردد، در چشم آن افراد، بدترین صديق و پست‌ترین دوست خواهد بود.^۱

از این رو، می‌توان دریافت که چرا «عدالت» در بنیادهای عقیدتی شیعه، رکنی رکن یافته و عدالت امام علی (علیه السلام) در شکل‌گیری جماعت شیعی صدر اسلام، نقشی اساسی ایفا کرده است. حضرت امیر (علیه السلام) در گزارشی از وضعیت عمومی مردم کوفه، که ظاهراً در اواخر عمر شریفشان ارائه داده‌اند، اظهار داشته‌اند که همه مردم را از حداقل مواهب زندگی یعنی آب و نان و مسکن برخوردار ساخته‌اند:

«در کوفه هیچ‌کس شب را به صبح نمی‌آورد، مگر آن‌که در نعمت و برخوردار از مواهب زندگی است. پست‌ترین آنان از نظر منزلت، نان گندم می‌خورد، در سرپناه به سیر می‌برد و از آب فرات می‌نوشد.»^۲

ایشان عدالت اجتماعی را عامل استواری و استحکام بنیاد جامعه،^۳ باعث صلاح و انتظام امور عمومی^۴ و زمینه‌ساز الفت و همسازی اجتماعی^۵ دانسته و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۷.

۳. شرح غرر و درر آمدی، ج ۱، حکمت ۸۰۵.

۴. همان، حکمت ۲۹۵.

۵. همان، حکمت ۶.

مقابلاً جور، بی‌عدالتی، تبعیض و ظلم را موجد عداوت و دشمنی گروه‌های اجتماعی نسبت به یکدیگر^۱ زمینه‌ساز از هم گسیختگی شیرازه و انسجام اجتماعی^۲ و در نهایت، عامل افول دولت‌ها، و پایان عمر جوامع و امت‌ها تلقی کرده است.^۳

کتاب حاضر تلاش می‌کند تا تصویری روشن‌تر از عدالت‌گستری امام علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)، پس از رسیدن به حکومت ارائه دهد. این کتاب که در واقع رساله کارشناسی ارشد فاضل ارجمند حجة الاسلام جمعه‌خان محمدی است، با پیشنهاد و راهنمایی اینجانب و نظارت دوست ارجمند جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر محسن الوبیری در سال ۱۳۸۰ در قم تدوین و دفاع شده و سپس نظرات اصلاحی برادر ارجمند آقای دکتر حسین کچویان نیز در آن مورد توجه قرار گرفته است. اکنون که این کتاب در اختیار عموم قرار می‌گیرد، ضمن اظهار خوشوقتی، متذکر می‌شود که دست‌اندرکاران این کتاب، متفقاً نشر آن را گامی نخست در مطالعه جامعه‌شناسانه تاریخ اسلام قلمداد کرده و امید دارند دیدگاه‌های اصلاحی خوانندگان فرهیخته، زمینه تقلیل کمبودهای آن در چاپ‌های بعدی را فراهم آورد و بستر مناسبی برای تحقیقات بعدی در این خصوص باشد.

در پایان، به سوی قبله معبود حقیقی مان رو می‌کنیم، مراحم و الطاف سرشار او را سپاس می‌گوییم، بر فرستاده برگزیده او سلام و صلوات مدام می‌فرستیم، به راه و رسم مولای عدالت پیشه عالم، اقتدا می‌جوئیم، و دولت عادلانه امام موعود (عج) را انتظار می‌بریم.

محمود تقی‌زاده داوری

۸۲/۸/۲۱

۱. همان، حکمت ۸۰۶.

۲. همان، حکمت ۳۸۲.

۳. همان، حکمت ۲۴۷.

پیشگفتار

در جامعه انسانی همواره فاصله طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی وجود داشته و در حالی که عده‌ای از تمامی امتیازات و مرفعیتهای ممتاز اجتماعی نظیر: قدرت، ثروت و منزلت برخوردار بوده‌اند، بیشتر افراد فاقد چنین موقعیتهایی بوده‌اند. در طول تاریخ، گاهی فاصله اجتماعی بین افراد و طبقات کاهش یافته و گاهی چنان زیاد شده که برای اکثریت جامعه، غیرقابل تحمل و رنج‌آور بوده است. نابرابری اجتماعی و فاصله طبقاتی در جامعه، پیامدها و تبعات ناگواری را به دنبال دارد. از جمله این پیامدها، پیدایش روحیه طبقاتی و تجمل‌گرایی در طبقات بالا و حس انتقام‌جویی، شورش و تغییر وضع موجود در طبقات پایین جامعه است. این موضوع همواره ساختار اجتماعی را به سوی بحران سوق می‌دهد. از این‌رو، دانشمندان سعی می‌کنند فرایند شکل‌گیری نابرابری‌های اجتماعی و فاصله طبقاتی را که منجر به دگرگونی‌های عمیق اجتماعی و گاه انقلاب می‌شود، مورد مطالعه قرار دهند.

جامعه اسلامی نیز مانند جوامع دیگر، چنین فراز و نشیب‌هایی را در زمینه نابرابری اجتماعی و فاصله طبقاتی پشت سر گذاشته است. در جامعه اسلامی زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تعادل نسبی و فاصله‌ای نامحسوس بین طبقات جامعه

حاکم بود و روحیه برادری و نگاه مشترک دینی به مسائل مادی و زندگی اجتماعی، بر کلیه امور جامعه حاکمیت داشت، آن‌گونه که در گذر تاریخ، ارزش‌ها و هنجارهای آن زمان، به عنوان ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول همه مسلمانان درآمده بود.

اما همین جامعه، بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، دچار فاصله طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی شدید شد و از توازن و تعادل دوران اولیه خود خارج گشت. عده‌ای در بالاترین سطح درآمد قرار گرفتند و از همه امکانات و امتیازات اجتماعی برخوردار شدند و بیشتر مسلمانان از سطح معمول نیز تنزل پیدا کردند. بدین‌سان، جامعه اسلامی دچار تضاد اجتماعی شدیدی شد و این وضعیت، دگرگونی‌ها و تغییرات اجتماعی بزرگی را در میان مسلمانان رقم زد.

این در حالی بود که دین اسلام بر اساس معیارهای خداگرایی، عدالت‌جویی و توجه به ارزش‌های والای انسانی، توانسته بود ساختار اجتماعی عرب جاهلی قبل از اسلام را نابود سازد و ساختار جدیدی را جایگزین آن نماید. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان رهبر جامعه اسلامی، با کمک گروه‌هایی مانند مهاجر و انصار، ساختار اسلامی را در جزیره‌العرب شکل داد و مساوات و برابری را در میان اقشار و گروه‌های اجتماعی برقرار ساخت.

پس از رحلت حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جامعه اسلامی دو دوره متفاوت را تجربه کرد و با دو نوع ساختار اجتماعی، که از نظر هویت، جهت و هدف با هم تفاوت اساسی داشتند، روبه‌رو شد: دوره اول، دوران حکومت خلفای سه‌گانه و دوره دوم، دوره حکومت امام علی علیه‌السلام است. ویژگی‌های هر یک از این دو دوره، در دو سطح خرد و کلان اجتماعی، به راحتی قابل بررسی است. در بررسی ساختار اجتماعی دوران خلفا، به دو سطح بحث باید توجه نمود: یکی سطح کلی جامعه است که آن را می‌توان به مثابه ساختاری واحد در قالب «نهاد قشربندی

اجتماعی»^۱ مورد بررسی قرار داد و دیگری، سطح خرد است که طی آن، باید به اساسی‌ترین سطح تحلیل در قالب «پایگاه و نقش»^۲ اکتفا نمود. برای فهم تحولات سیاسی، اجتماعی جامعه اسلامی در صدر اسلام لازم است نقش‌های اجتماعی خلفا را بدانیم که تحت دو عنوان کلی زیر قابل ارائه و بررسی است:

الف. زعامت سیاسی

اولین و مهم‌ترین نقش خلفا، زعامت سیاسی جامعه بود که خود شامل بخش‌های زیر بود:

۱. تعیین سیاست‌های کلی جامعه اسلامی و تصمیم‌گیری در مورد آنها؛ مانند تصمیم‌گیری درباره جنگ‌ها و پایان دادن به جنگ (صلح)، مانند تصمیم ابوبکر به گسترش قلمرو اسلامی، با اعزام نیرو به عراق و شام و ادامه یافتن این سیاست توسط عمر و آشتی وی با رومیان در بیت المقدس^۳ و نیز سیاست عثمان در گسترش قلمرو اسلامی به سمت آفریقا. همچنین مبارزه امام علی علیه السلام با عناصر فاسد جامعه اسلامی به منظور ایجاد اصلاحات سیاسی و اجتماعی.^۴

۲. تعیین کارگزاران، قضات، مأموران مالیات، کارمندان ادارات، فرماندهان جنگی و سربازان حکومتی. چنان‌که ابوبکر پس از رسیدن به خلافت، عمر را قاضی و «ابوعبیده» را مأمور خزانه و جمع‌آوری مالیات نمود و «خالد بن ولید» و «عکرمه بن ابی جهل» را به عنوان فرماندهان جنگ برگزید.^۵ عمر نیز بعد از رسیدن به خلافت، «خالد بن ولید» را عزل و «ابوعبیده» را فرمانده

۱. بحث نهاد قشربندی اجتماعی در دوران خلفا در فصل چهارم کتاب آمده است.

۲. این بحث در سه فصل اول تعقیب شده است.

۳. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۲، ص ۱۳۲.

۴. همان، ص ۲۳۵.

۵. همان، ص ۲۶-۲۵.

- جبهه شام کرد.^۱ وی استانداران را هم انتخاب یا عزل می‌کرد. عثمان نیز به شیوه آنها رفتار می‌کرد. امام علی (علیه‌السلام) نیز وقتی به خلافت رسید، در اولین قدم، کارگزاران عثمان را عزل و مأموران خود را به جای آنان اعزام داشت.^۲
۳. نظارت و کنترل بر فعالیت کارگزاران و مأموران حکومتی، در جهت احقاق حقوق اجتماعی مردم و عدم تعدی آنان به حیطه‌های خصوصی افراد. در این مورد می‌توان از کنترل و نظارت خلیفه دوم بر اموال و دارایی‌های والیان^۳ و سخت‌گیری‌های امام علی (علیه‌السلام) بر والیان نام برد. این رویه، از آلوده شدن کارگزاران جلوگیری می‌کند.^۴
۴. اداره و کنترل جامعه و برقراری نظم و امنیت اجتماعی در سراسر قلمرو اسلامی و مبارزه با انحرافات و آسیب‌ها.
۵. تأمین منابع مالی از طریق اخذ مالیات (مانند صدقات، خراج، جزیه، عشور و غنائم ...) و توزیع آن در لایه‌های مختلف اجتماعی.
۶. داشتن «عدالت» در تمامی زمینه‌ها. امام علی (علیه‌السلام) درباره اهمیت عدالت برای حاکمان می‌فرماید: «معیار سیاست، عدالت است»^۵ و «عدالت نظام‌بخش حکومت است».^۶ منظور از عدالت در سطح مدیریت اجتماعی، این است که «برای همه، امکانات مساوی برای پیشرفت و تعالی فراهم شود، هر کس استحقاق دارد به حق خود دست یابد، در وضع قانون و اجرای آن رعایت

۱. همان، ص ۱۵۵.

۲. احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷۷.

۳. عبدالرحمن احمد البکری، من حیات الخلیفه عمر بن الخطاب، ص ۲۸.

۴. مانند نامه‌های امام در نهج البلاغه به «زیاد بن امیه» و «عبدالله بن عباس».

۵. آمدی، غررالحکم، ج ۱، ص ۴۰ / مصطفی دلشاد تهرانی، دولت آفتاب؛ اندیشه‌های سیاسی و سیره حکومتی علی (علیه‌السلام)، ص ۲۴۷.

۶. همان، ص ۴۰.

مساوات بشود، تبعیضی بر کسی نرود و تفاوت‌ها و امتیازات بر مبنای صلاحیت و استحقاق باشد.^۱

جامعه همواره از خلفا رفتار عادلانه را انتظار داشت و این کلیدی‌ترین عنصر قوام و تحول دستگاه خلافت محسوب می‌شد.

ب. زعامت دینی

خلفا علاوه بر رهبری سیاسی جامعه، زعامت دینی آن را نیز عهده‌دار بودند و به همین دلیل، نقش‌های معنوی زیر را داشتند:

۱. برگزاری مراسم دینی از قبیل نماز جماعت و جمعه، اعیاد و مشارکت در تمامی برنامه‌های دیگر دینی. برای خلفا و کارگزارانشان این موضوع در اولویت قرار داشت و یکی از وجوه برتری ابوبکر بر دیگران را اقامه نماز جماعت در زمان پیامبر می‌شمردند. کوفیان نیز در درخواستشان برای برکناری «سعد وقاص»، تساهل و بی‌دقتی او در نماز را به عنوان یکی از علل مطرح می‌کردند. برگزاری نمازهای جماعت اصلی‌ترین شأن حاکمیت و خلافت بود.
 ۲. تبیین دین و پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی که در زمینه دین اسلام مطرح می‌شد و نیز بیان حکم شرعی، در مواردی که حکم روشن وجود نداشت.
 ۳. اجرای احکام و مقررات دین اسلام، مطابق با قرآن و سنت پیامبر اکرم ﷺ، انطباق دین با وضعیت‌های جدید و هدایت و رهبری دینی جامعه در زمینه‌های اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی به سوی اهداف مورد نظر دین اسلام.
- به طور خلاصه، مسلمانان از خلفا دو انتظار داشتند: «ایمان و آگاهی‌های دینی و عمل صالح» و «برقراری عدالت اجتماعی در جامعه». در بررسی نقش‌های اجتماعی خلفا در دو سطح خرد و کلان، متوجه شکل‌گیری

نابرابری‌های اجتماعی، در زمینه توزیع ثروت و قدرت، در یک دوره و تعدیل آن، در دوره دیگر می‌شویم.

از آن‌رو که در اغلب تحقیقات تاریخی، ویژگی‌های شخصی خلفا و وقایع تاریخی و همچنین بحث‌های فقه سیاسی و کلامی فریقین ناظر به نقش‌های دینی خلفا مورد بررسی قرار گرفته است، در این تحقیق تلاش می‌کنیم بیشتر به نقش سیاسی، اجتماعی خلفا در رابطه با شبکه مناسبات اجتماعی در قالب «پایگاه و نقش» پردازیم و رفتارهای آنان را در موارد ضروری، با اقتضائات کلی دین و رفتارهای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مقایسه و سپس نقد نماییم. شاید از این طریق بتوانیم به شناخت ساختارهای اجتماعی جامعه مورد نظر خلفا برسیم و نقش هریک را در تشکیل ساخت اجتماعی مورد نظر روشن سازیم.

بر این اساس، یکی از مقاطع مهم تاریخ زندگی اجتماعی مسلمانان، جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در دوران خلافت ابریکر، عمر، عثمان و سپس دوره ولایت امام علی علیه‌السلام است، که از سال یازدهم تا چهارم هجری طول کشید. در دوران خلفا فاصله طبقاتی چنان عمیق شد که جامعه اسلامی در دوران حکومت خلیفه سوم با انقلاب عمومی علیه حاکمیت سیاسی مواجه گردید و راه را برای حکومت اصلاح‌گر امام علی علیه‌السلام گشود. امام علی علیه‌السلام که وضعیت عمومی جامعه اسلامی آن روز را متناسب با ساختار اجتماعی جامعه اسلامی زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نمی‌دید، در دوران زمام‌داری خود، تغییرات و تحولات زیادی را در جامعه پدید آورد تا جامعه را به وضعیت جامعه اسلامی زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برگرداند یا دست‌کم به آن نزدیک‌تر کند. آن حضرت کوشید تا سطح برخورداری افراد و طبقات گوناگون از امتیازات اجتماعی تعدیل شود، فاصله اجتماعی کاهش یابد و نابرابری‌های اجتماعی برطرف گردد. از این‌رو، ساختار اجتماعی

دیگری را بر اساس ارزش‌ها و دیدگاه‌های معین به وجود آورد تا عدالت اجتماعی در سطح وسیع اجرا شود. در مجموع، جامعه اسلامی، پس از رحلت پیامبر ﷺ تا زمان حاکمیت امام علی علیه السلام، دوگونه ساختار اجتماعی را با دو نوع سیاست در زمینه توزیع ثروت، قدرت و امتیازات اجتماعی تجربه کرد:

الف. ساختار اجتماعی نابرابر؛ با سیاست توزیع ثروت و قدرت غیرمتعادل؛
ب. ساختار اجتماعی برابر؛ با سیاست توزیع ثروت و قدرت متعادل.

اکنون این سؤال مطرح است که چرا جامعه اسلامی اندکی پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ دچار چنین ساختار نامتعادلی شد و گرفتار تضاد طبقاتی گردید به گونه‌ای که امام علی علیه السلام پس از رسیدن به حکومت، مجبور شد تحولات جدیدی را در ساختار اجتماعی جامعه اسلامی و روش‌های حکومت به وجود آورد؟
به عبارت دیگر، خلفای پس از پیامبر ﷺ، چه تغییراتی را در جامعه موزون و متعادل حضرت ایجاد کرده بودند که نیازمند دگرگونی‌های عمیق از جانب امام علی علیه السلام بود تا نابرابری‌های اجتماعی تعدیل شود.

نوشته حاضر، درصدد بررسی و مطالعه سیاست‌های تعدیل نابرابری‌های اجتماعی توسط امام علی علیه السلام و بررسی زمینه‌های سیاسی-تاریخی پیدایش این نابرابری‌ها در دوران خلفای قبل از ایشان است و قصد دارد سیر تحولات اجتماعی صدر اسلام را مورد کنکاش قرار دهد تا زوایای تاریخی، سیاسی و اجتماعی زندگی مسلمانان در صدر اسلام روشن‌تر شود.